

الگوی متعالی سیاست متعالی؛ برترین جایگزین الگوی متدانی سیاست متدانی علیرضا صدرا^۱

چکیده

میل جان اندر ترقی و شرف (توسعه متعالی) میل تن در کسب اسباب و علف (توسعه متدانی) (مثنوی معنوی مولوی)

در سیاست دو نگاه، دو نظریه و دو نظام و نیز دو الگوی رقیب در قبال هم، بلکه در مقابل هم و حتی در مقابله متقابل با هم جریان داشته و همواره صف آرای می نمایند. پس می توان این دو را دو گفتمان، یا دو رویکرد، دو رهیافت و دو راهبرد و نیز دو مکتب، حتی دو مثنوی و بلکه دو مسلک یا دو سلوک نیز به ترتیب ذیل تلقی کرده و تعبیر نمود: یکی سیاست متعالی است. یا الگوی سیاست متعالی می باشد. که لگوی متعالی سیاست بوده و محسوب می گردد. دیگری. سیاست نامتعالی است. یا الگوی سیاست نامتعالی می باشد. که الگوی نامتعالی سیاست بوده و سیاست متدانی است. حتی به تعبیری الگوی سیاست متدانی بوده و یا به اعتباری الگوی متدانی سیاست به شمار می آید. بنابراین می شود اینها را به ترتیب؛ الگوی متعالی سیاست و سیاسی و مدنی و متقابلاً الگوی نامتعالی یا متدانی سیاست و سیاسی و مدنی نیز تعبیر نمود. که مبین سیاست الگوی توسعه متعالی جمهوری اسلامی ایران و سیاست در الگوی توسعه متعالی ج.ا.ا. و حتی متضمن الگوی سیاست در الگوی توسعه متعالی ج.ا.ا. است. الگوی متعالی سیاست یا الگوی سیاست متعالی که تنها و برترین جایگزین بهینه و بسامان الگوی متدانی سیاست یا الگوی سیاست متدانی بوده و می باشد.

واژگان کلیدی: الگو، سیاست، متعالی، متدانی، برترین، جایگزین.

^۱ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

پیش درآمد

حس دنیا نردبان این جهان (متدانی) حس دینی نردبان آسمان (متعالی)
صحت این حس بجویید از حبیب صحت آن حس بجویید از طبیب
(مثنوی معنوی مولوی)

اول) انقلاب اسلامی ایران با طرح شعائر شعور خیز شورانگیز حکمت آمیز و حرکت آفرین استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی در حقیقت حکمت را وارد حکومت کرده و حکومت را بر اساس حکمت پی ریزی نمود. آنهم استقلال نه تنها از سلطه و نفوذ و وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی استکبار خارجی اعم از نیروها و نهادها، نظامات و دولت ها و قدرت ها و بویژه ابرقدرت های بلوک شرق و غرب، است. بلکه استقلال از نگاه، نظریه و مکتب مدرنیسم و در هر دو شاخه به ظاهر متعارض لیبرالیسم و سوسیالیسم آن می باشد. و حتی استقلال از الگوی سرمایه سالاری راست و نیز دولت سالاری چپ بوده و به شمار می آید. با نهاد سازی و نظام سازی تا مرز الگوسازی توسعه متعالی ایرانی اسلامی خاص خویش است. سیاست الگوی توسعه متعالی ایرانی اسلامی فراگیر و فراهم آمده کلان بخش های سه گانه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می باشد. که می توان آن را الگوی توسعه اقتصادی، توأمان با تعادل سیاسی و در جهت تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی تلقی کرده و تعبیر نمود. سیاست در الگوی توسعه متعالی جمهوری اسلامی و الگوی سیاسی توسعه ج.ا.ا. یا الگوی تعادل سیاسی ج.ا.ا.، زیرساخت راهبردی (بنیادین، جامع، نظاممند و هدفمند) و راهبرد (طرح هادی و نقشه راه و راهنمای) زیرساختی توسعه متعالی و الگوی آن می باشد. الگوی سیاسی ج.ا.ا. در چشم انداز توسعه متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ الگوی متعالی سیاست یا الگوی سیاست متعالی است.

دوم. الف) الگوی متعالی سیاست یا الگوی سیاست متعالی در گفتمان حکمت مدنی و سیاسی اسلامی: سیاست انسانی، اسلامی و فاضله می باشد. که می توان به همین سبب آن را الگوی انسانی سیاست، الگوی اسلامی سیاست و الگوی فاضله سیاست دانست. در تعبیر حضرت امام خمینی (ره)؛ همان «سیاست هدایت صراط مستقیم» در گفتمان قرآنی بوده و به شمار می آید. یعنی سیاست راهبری راهبردی متعادل و متعالی یا سیاست تعادل

بخش و تعالی آفرین است. که همان اسوه حسن («و لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»-۳۳/احزاب؛ ۲۱) در تعبیر رسای قرآنی است. آنهم «و منهم من یقول ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار» (۲/بقره؛ ۲۰۱). و «اولئک لهم نصیب مما کسبوا و الله سریع الحساب» (همان؛ ۲۰۲). مراد الگوی نیک یا نیکو و بلکه نیکویی می باشد. که به تعبیر فارابی مؤسس حکمت مدنی و سیاسی فاضله اسلامی؛ خیر یعنی عامل سعادت حقیقی، یقینی و واقعی مدنی؛ اجتماعی و سیاسی، بوده و فضیلت یعنی برتری به شمار رفته و حَسَن یا حُسَن یعنی زیبا یا زیبایی است. و زیرا یا در نتیجه کامل می باشد. یعنی هم بنیادین و جامع یا رسا بوده و هم نظاممند یا سازوار و هدفمند است. در نتیجه کارآمد می باشد. اعم از؛ بهره ور و اثر بخش است.

ب) الگوی نا متعالی یا متدانی سیاست یا الگوی سیاست نا متعالی و متدانی در گفتمان حکمت مدنی و سیاسی اسلامی خود دو رهیافت متعارض دارد. یکی سیاست غیر انسانی بوده و دیگری سیاست ضد انسانی، می باشد. به تعبیری؛ یکی سیاست غیر اسلامی بوده و دیگری سیاست ضد اسلامی به شمار می آید. حتی به عبارتی؛ یکی سیاست غیر فاضله بوده و دیگری سیاست ضد فاضله می باشد. که می توان به همین سبب آن را الگوی غیر و ضد انسانی سیاست، به تعبیری الگوی غیر و ضد اسلامی سیاست و به عبارتی الگوی غیر و ضد فاضله سیاست دانست. در تعبیر حضرت امام خمینی (ره)؛ یکی **سیاست حیوانی** و دیگری **سیاست شیطانی** است. همان؛ یکی «سیاست ضاله» و دیگری «سیاست فاسقه» در گفتمان قرآنی حکمت مدنی فاضله فارابی تا خواجه نصیر و ملاصدرا است. در مقابل و در مقابله با «**سیاست هدایت صراط مستقیم**» در گفتمان قرآنی بوده و «صراط الذین انعمت علیهم» (قرآن، سوره ۱/حمد؛ ۷) به شمار می آید. که عبارت از؛ راهبری راهبردی نا متعادل و نا متعالی است. و «غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» (همان). که الگوی فارابی در تقسیم بندی، دسته بندی و طبقه بندی و سرانجام نظام بندی الگوها، نگاه ها و نظریه ها و نظامات سیاسی دو گانه فاضله و جاهله اعم از فاسقه و ضاله گردیده است. و سایرین تا امام خمینی که آن را مبنا و میزان الگوهای دو گانه سیاست اسلامی و شبه غیر و ضد سیاست حیوانی و شیطانی قرار داده و می دهند. یا الگوی متعالی سیاست و نیز سیاست متدانی مورد اشارت علامه جوادی آملی است.

سوم. الف) الگوی متعالی سیاست متعالی؛ توحیدی می باشد. دو ساحتی است. متعادل و متعالی بوده و محسوب می گردد. یعنی تعادل بخش و تعالی آفرین است. که همان الگوی قرآنی و اسلامی بوده و به شمار می آید.

ب) در مقابل الگوی نامتعالی سیاست نامتعالی؛ غیر و ضد توحیدی است. غیر و ضد متعادل و متعالی بوده و محسوب می گردد. یعنی غیر و ضد تعادل بخش و غیر و ضد تعالی آفرین است. در نتیجه تک ساحتی (فرویدیسم و هدونیسم) تنازل و تنازع خیز (داروینیسم و امپریالیسم) می باشد. این الگوی غیر و ضد قرآنی و اسلامی بوده و به شمار می آید.

چهارم) سیاست نامتعالی یا سیاست متدانی و الگوی آن اعم از؛ غیر و ضد تعادل و تعالی است. و یا غیر و ضد متعادل بوده و همچنین و به همین سبب غیر و ضد متعالی می باشد. که در نتیجه نه تنها قادر به تعادل و در نتیجه تعالی نبوده و بلکه برعکس بوده و مانع و جه بسا مخل آن نیز است. بدان سبب و به همان نسبت که تعالی نگری و تعالی گرایی نبوده و تعالی گذاری و تعالی پذیری نمی باشد. و عبارت از؛ سیاست تک ساحتی و سیاست تنازعی است (فرای آثار اسلامی مذکور در این مقاله، ر.ک.: بهاء الدین بازارگاد، مکتب های سیاسی، تهران: اقبال، چ ۳، ۱۳۴۴ و نیز داریوش آشوری، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: سپهروردی، ۱۳۶۶). و امروزه؛

الف. سیاست فرویدیسم، یوتیلیتریسم (یا یوتیلیتاریانیسم یعنی سود طلبی و مرکانتیلیسم یا سودا طلبی)،

هدونیسم و اپیکوریانیسم یا سیاست ثروت و لذت می باشد.

ب. سیاست هابسیسم، داروینیسم و امپریالیسم یا سلطه طلبی و تنازعی است. سیاست قدرت مورگنتایی (هانس مورگنتا، سیاست در میان ملل، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴) و برخورد تمدن های هانتینگتونی (ساموئیل هانتینگتون، برخورد تمدن ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴) بر این اساس بوده و در این راستا می باشند.

ماکیاولیسم؛ آبشخور هر دو و همگی رهیافت ها و راهبردهای این الگوست (نیکولو ماکیاولی، شهریار، ترجمه محمود محمود، تهران: اقبال، ۱۳۵۷ و نیز گفتارها، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷).

الگوی سیاست، سیاسی و مدنی متعالی: به تعبیری الگوی متعالی سیاست، سیاسی و مدنی است. حتی الگوی متعالی سیاست، سیاسی و مدنی متعالی می باشد. در مقابل و فرای الگوی سیاست، سیاسی و مدنی متدانی یا الگوی متدانی سیاست، سیاسی و مدنی می باشد. و برترین جایگزین بهینه و بسامان آنست.

الگوی متعالی: الگوی رسا و سازوار و در نتیجه؛ الگوی کارآمد اعم از؛ الگوی بهره ور و اثربخش است. بلکه الگوی بهره وری و اثربخشی می باشد. فرای سیاست توسعه نگری و توسعه گرایی، تعالی نگر و تعالی گرای سیاسی می باشد. در نتیجه سیاست تعالی بخش بوده و تعالی بخش سیاست و سیاسی یا مدنی است. به تعبیری الگوی متعالی سیاست است. الگوی سیاست متعالی؛ الگوی سیاست متعالی: الگوی توحیدی سیاست بوده و به شمار می آید. سیاست دو ساحتی است. به تعبیری سیاست متعادل بوده و محسوب می شود. سیاست اسلام (قرآن و سنت) است. سیاست ولایت و امامت یا سیاست ولایت و امامی است. ولایت و امامت سیاست و سیاسی است. الگوی سیاست توسعه متعالی است. توسعه اقتصادی، توأمان با تعادل سیاسی و اجتماعی و در جهت تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی متعالی است.

الگوی متدانی نا متعالی می باشد. بلکه نامتعادل بوده و نامتعالی است. تعادل بخش و تعالی بخش نیست. و امروزه مدرنیسم است. الگوی خطی و مسطحه توسعه فرهنگی توأمان با یا در جهت توسعه سیاسی و در جهت توسعه اقتصادی و تولید ثروت و لذت است. اعم از؛ یکی و در یک سویه-رهیافت سوسیالیسم (اجتماعی)، کمونیسم (اشتراکی)، مارکسیسم، کلکتیویسم (کل گرا) و توتالیتریسم (الگوی دولت سالاری حداکثری فراگیر همه کاره و سیاست دخالت) می باشد. دیگری و در سویه متعارض-رهیافت اندیویدوآلیسم (جزء و فردگرایی تا اولترا اندیویدوآلیسم یا فردگرایی افراطی تا شخص گرایی یا پرسونالیسم که مرز آنارشیسم و هرج مرج اجتماعی و فروپاشی آنست) و لیبرالیسم تا کاپیتالیسم یا الگوی سرمایه سالاری (دولت حد اقلی و به اصطلاح شبگرد و سیاست عدم دخالت) قرار دارد. با راهبرد جمهوری مطلقه یا دموکراسی افراطی است. تا نیهیلیسم پوچ انگار و همه چی پندار پست مدرنیسم؛ خواه آپتی میستی یعنی خوش بینانه یا خوش باورانه فرامدرنیسم و بویژه پسی میستی یعنی بدبینانه و منفی پندارنده پسا مدرنیسم می باشد. الگوی متدانی: غیر و یا ضد توحیدی است. و تک ساحتی یا تنازعی می باشد. و نامتعادل و نامتعالی است. و نارسا

یا ناسازوار ذاتی و درونزادی می باشد. در نتیجه موجب و موجد نارسایی و ناسازواری بوده و قادر به کاهش یا رفع آن نمی باشد. بلکه مانع و حتی مخل آنست. به سبب شالوده ها و شاخصه های آنست. که عبارت و اعم از اهم موارد ذیلست: ۱. مادیت گرایی (ماتریالیسم بجای مادی و معنوی)، و ظاهری پندار و ظاهرگرا (بجای ظاهر و باطن نگری و گرایی) است. ۲. طبیعی پنداری (نچرالیسم؛ ارگانیکی یا ارگانیسم ماکیاولیسم و مکانیکی یا مکانیسم نیوتنی-هابسی بجای طبیعت و ماوراء طبیعت نگری و گرایی)، می باشد. ۳. اومانلیسم (بشری غریزی بجای انسانی متعالی)، بوده و به شمار می آید. ۴. دوگانه پندار (دوآلیسم یعنی دوگانگی و به اصطلاح قرآنی شرک یا تجزیه و جدایی مادیت از معنویت، ظاهر از باطن، سیاست از دیانت، دولت از شریعت و دنیا از آخرت، جسم و جسمانیت و روح و روحانیت، ... تا مرز آتیه ایسم یا الحاد و انکار متعالی بجای مونیسم یا یگانه انگاری در عین دو گونگی و به اصطلاح وحد در عین کثرت و کثرت در عین وحدت)، بوده و به شمار می آید. ۵. سکولاریسم (عرفی سازی و دنیا پرستی) می باشد. تا ۶. راسیونالیسم یا هوش و شعور ابزاری و توسعه گر بجای خرد متعالی، حکمت خیز و هدایتگر بوده و محسوب می گردد. خواه رئالیستی (و به اصطلاح واقع بینانه ولی عملا ظاهر نگرانه) بوده یا ایدئالیستی (و به اصطلاح خیالی یا آرمانی و بویژه یوتی پیایی یا ناکجا آبادی ولی در واقع ذهنی) باشد (مایکل ب. فاستر و.ت. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ۳ج، چندین قسمت، ترجمه جواد شیخ الاسلامی و علی رامین، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۸ و بهاء الدین بازارگاد، تاریخ فلسفه سیاسی، ۳ج، تهران: زوار، چ ۴، ۱۳۵۹).

حکمت و الگوی متعالی سیاست و توسعه؛ اعم و اهم شاخصه ها و شالوده های سویه تک ساحتی الگوی سیاست و توسعه نامتعالی را نارسا دانسته و نامتعالی می داند. و از این حیث آنها را مورد نقادی قرار داده و فرای آنها را نگریسته و به معنویت می گراید. در نتیجه شالوده ها و شاخصه های الگوی سیاست متعالی و بلکه الگوی متعالی سیاست و حتی سیاست الگوی متعالی، فرا تک ساحتی بوده و دو ساحتی و توحیدی متعادل و متعالی است. کما این که حکمت و الگوی متعالی سیاست و توسعه؛ اعم و اهم شاخصه ها و شالوده های سویه تنازعی الگوی سیاست و توسعه نامتعالی را ناسازوار دانسته و متنازل می داند. و از این حیث مورد نفی و نهی قرار داده و سویه متقابل آنها را نگریسته و به تعالی و به متعالی می گراید. در نتیجه شالوده ها و شاخصه های الگوی سیاست متعالی و بلکه الگوی متعالی

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

سیاست و حتی سیاست الگوی متعالی، فرا تک ساحتی بوده و دو ساحتی و توحیدی متعادل و متعالی است.

*درآمد

عقل جزوی (هوش ابزاری) گاه چیره گاه نگون

عقل کلی (خرد متعالی) ایمن از ریب المنون

(مثنوی معنوی-مولوی)

مکتب و حکمت مدنی متعالی قرآنی و روایی اسلامی و اهم مذاهب، مکاتب علمی و فکری کلامی و حکمی و حتی فقهی و اهم مسالک عرفانی و اخلاقی و متفکرین بنام اسلامی از فارابی، خواجه نصیر، ملاصدرا تا حضرت امام خمینی؛ پیشینه پایا و پشتوانه پویای الگوی سیاست متعالی و نقادی الگوی سیاست متدانی می باشند. در این مقالت به اشارات دو تن از برجستگان این گفتمان یعنی امام خمینی و خواجه نصیر طوسی در مقام حکیم حاکم و کارگزار سیاسی حکیم اشارت می نمایم. منابع و مستندات سایرین و نیز شرح و تفسیر آراء و آثار اینها به مجال مبسوط و به مقالات مستقلى نیاز است. در این منابع؛ آثار و آراء، نظریه شناسی و نقادی الگوی های جاری، نظریه پردازی و روزآمدسازی الگوهای پیشین و نوسازی و کارآمدسازی الگوهای جدید همواره مورد نظر بوده و می باشد. شامل همان:

الف) یکی. «سیاست متعالی» است. یا «الگوی سیاست متعالی» می باشد. که «الگوی متعالی سیاست» بوده و محسوب می گردد. که اسوه و الگوی حسن یا حسنه سیاست و سیاست حسن و حسنه و نیز الگوی هدایت صراط مستقیم (متعادل و متعالی) در گفتمان قرآنی و روایی، الگوی سیاست فاضل یا فاضله، در گفتمان حکمت مدنی فاضله فارابی، و الگوی سیاست امامت در گفتمان خواجه نصیر، است. کما اینکه الگوی سیاست متعالی در گفتمان حکمت متعالی صدرایی و الگوی سیاست انسانی، الهی و اسلامی در گفتمان امام خمینی می باشد. و الگوی سیاست معقول در گفتمان حیات معقول علامه جعفری است (محمد تقی جعفری، **حیات معقول**، ذکر: دفتر هفتم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲). که همان الگوی توحیدی دو ساحتی مادی و معنوی، ظاهری و باطنی و دنیوی و اخروی بوده و به شمار می آید.

دیگری. «سیاست نامتعالی» است. یا «الگوی سیاست نامتعالی» می باشد. که «الگوی نامتعالی سیاست» بوده و به شمار می آید. که غیر و ضد هدایت صراط مستقیم (متعادل و متعالی) یعنی ضلالت و مغضوبیت در گفتمان قرآنی و روایی، سیاست ضاله یا فاسقه، یعنی گمراه یا بدراه و به تعبیری بیراه در گفتمان حکمت مدنی فاضله فارابی، الگوی سیاست تغلب یا سلطه در گفتمان خواجه نصیر، است. کما اینکه الگوی سیاست طبیعی در گفتمان ابن خلدون (عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه، ج ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۴، ۱۳۶۲)، ماکیاولی تا هابس (توماس هابس، لویتان، ترجمه حسین بشریه، تهران: نی، ۱۳۹۱) و مدرن و نیز لئو اشتراوس (چیستی فلسفه سیاسی؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷) و سیاست حیوانی یا شیطانی در گفتمان امام خمینی می باشد. که همان الگوی غیر و ضد توحیدی (دوآلیسم) تک ساحتی مادی (ماتریالیسم)، ظاهری و دنیوی (یعنی سکولاریسم) است.

و در تعبیر علامه جوادی آملی؛ «سیاست متدانی» است. یا «الگوی سیاست متدانی» می باشد (ر.ک.: سیاست متعالی از منظر حکمت متعالی، چندین ج، ج ۱، بکوشش شریف لکزایی، قم: پژوهشگاه علوم و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷).

ب) الگوی نامتعالی یا متدانی سیاست و به تعبیری الگوی سیاست نامتعالی و سیاست متدانی در گفتمان حکمت مدنی و سیاسی اسلامی خود دو رهیافت متعارض دارد. یکی سیاست غیر انسانی بوده و دیگری سیاست ضد انسانی، می باشد. به تعبیری؛ یکی سیاست غیر اسلامی بوده و دیگری سیاست ضد اسلامی به شمار می آید. حتی به عبارتی؛ یکی سیاست غیر فاضله بوده و دیگری سیاست ضد فاضله می باشد. که می توان به همین سبب آن را الگوی غیر و ضد انسانی سیاست، به تعبیری الگوی غیر و ضد اسلامی سیاست و به عبارتی الگوی غیر و ضد فاضله سیاست دانست. در تعبیر حضرت امام خمینی (ره)؛ یکی **سیاست حیوانی** و دیگری **سیاست شیطانی** است. همان؛ یکی «سیاست ضاله» و دیگری «سیاست فاسقه» در گفتمان قرآنی حکمت مدنی فاضله فارابی تا خواجه نصیر و ملاصدرا است. در مقابل و در مقابله با «سیاست هدایت صراط مستقیم» در گفتمان قرآنی بوده و «صراط الذین انعمت علیهم» (قرآن، سوره ۱/حمد؛ ۷) به شمار می آید. که عبارت از؛ راهبری راهبردی نامتعالی و نامتعادلی است. و «غیر المغضوب علیهم و لا

الضالین»(همان). که الگوی فارابی در تقسیم بندی، دسته بندی و طبقه بندی و سرانجام نظام بندی الگوها، نگاه‌ها و نظریه‌ها و نظامات سیاسی دو گانه فاضله و جاهله اعم از فاسقه و ضاله گردیده است. و سایرین تا امام خمینی که آن را مبنا و میزان الگوهای دو گانه سیاست اسلامی و شبه غیر و ضد سیاست حیوانی و شیطانی قرار داده و می دهند. یا الگوی متعالی سیاست و نیز سیاست متدانی مورد اشارت علامه جوادی آملی است.

الف. الگوی متعالی سیاست، جایگزین الگوی نامتعالی سیاست در آراء و آثار امام خمینی

حضرت امام خمینی یکی از برجسته ترین الگو پردازان متعالی سیاسی و سیاست متعالی در دوران جدید و معاصر است. انقلاب بی بدیل اسلامی و نگاه، نظریه و نظام بدیع جمهوری اسلامی ایران بر اساس این الگو تبیین علمی شده، ترسیم عملی و عملیاتی(راهبردی و کاربردی)گشته و تحقق عینی(اجرایی سازی و جاری)گردیده است. در نگاه و نظریه سیاسی امام، نگاه، نظریه و نظام سیاسی انقلابی جمهوری اسلامی ایران، برترین الگوی بدیل و جایگزین بهینه و بسامان رسا و سازوار و در نتیجه کارآمد؛ بهره وری و اثربخش الگوی رقیب یعنی مدرنیسم اعم از؛ غرب و شرق، لیبرالیسم و سوسیالیسم، چپ و راست بویژه سرمایه سالاری و دولت سالاری است. به همین سبب و مناسبت و از جمله به تعبیر حضرت امام خمینی:

اول.(الگوی)سیاست متدانی:

الف.«سیاست به آن معنایی که اینها می گویند که دروغگویی و چپاول و با حيله و تزویر، تسلط بر اموال و نفوس مردم، این سیاست هیچ ربطی به سیاست اسلامی ندارد، این سیاست شیطانی است»(خمینی، امام روح الله، صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۴۳۲). که ناسازوار بوده و به همین سبب مورد نفی است.

ب.«سیاست حیوانی ... اگر فرض کنیم که یک فردی هم پیدا شود که سیاست صحیح اجرا نکند نه به آن معنای شیطانی فاسدش، یک حکومتی، یک رئیس جمهوری، یک دولتی؛ سیاست صحیح اجرا کند که به خیر و صلاح ملت باشد، این سیاست یک بعد(تک بعدی)از سیاستی است که برای انبیاء و اولیاء بوده و حالا برای علماء اسلام»(همان). در

نتیجه تک ساحتی نارسا بوده و از این حیث مورد نقادی است. بدان سبب که به تأکید ایشان؛ «انسان یک بُعد ندارد، جامعه هم یک بُعد ندارد، انسان فقط یک حیوان نیست که خوردن و خوراک همه شئون او باشد، سیاست (تک ساحتی) اگر صحیح هم باشد، امت را در یک بُعد هدایت می کند و راه می برد و آن بُعد حیوانی است، بعد اجتماعی مادی است، و این سیاست یک جزء ناقص (نارسا) سیاستی است که در اسلام برای انبیاء و اولیاء ثابت است» (همان).

دوم، (الگوی) «سیاست اسلامی ... اما سیاست به معنای اینکه جامعه راه ببرد و هدایت کند به آن جایی که صلاح (توسعه متعالی) جامعه و صلاح افراد (سعادت؛ آسایش) /+ آرامش) افراد است» (همان). بدان سبب که؛ «انبیاء و اولیاء ... می خواهند ملت ها، اجتماع و افراد را هدایت کنند، راه ببرند (راهبرد)، در همه مصالحی که برای انسان و جامعه متصور است» (همان). و در تفسیر ایشان؛ «همانیکه در قرآن صراط مستقیم گفته می شود و ما در نماز می گوئیم: «و از خدا می خواهیم که) ملت، اجتماع و اشخاص را راه ببرد (راهبرد) به یک صراط مستقیمی که از اینجا (دنیا و توسعه) شروع می شود و به آخرت (و تعالی) ختم می شود و الی الله است» (همان). و در جمع بندی؛ «این (سیاست) مختص به انبیاء و اولیاء است و به تبع آنها علمای بیدار اسلام و علمای بیدار هر ملتی» (همان). و در نهایت؛ «اینکه می گویند شما در سیاست دخالت نکنید، بگذارید برای ما؛ شما ها سیاست صحیحتان هم یک سیاست حیوانی است. راجع به رفاه این عالم است و آنهایی که فاسد هستند سیاستشان شیطانی است، لکن انبیاء هم این عالم و هم آن عالم (را در نظر دارند)، و اینجا راه است برای آنجا. مردم را به آنچه صلاح ملت و جامعه است - صلاح مادی و معنوی از مرتبه اول تا آخرین مراتب کمال انسان - دعوت می کنند» (همان). و سرانجام؛ «انبیاء (ع) شغلشان سیاست است، و دیانت همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می دهد (و به) تمام چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است (هدایت می کند)» (همان).

الف. الگوی متعالی سیاست، جایگزین الگوی نامتعالی سیاست در آراء و آثار خواجه نصیر الدین (و الدوله و المله) طوسی

خواجه نصیر نیز به روایت مقالت سوم، سیاست مدن کتاب اخلاق ناصری وی بعد از مبحث اخلاق و تدبیر منزل، ضمن فصل چهارم، «سیاست مُلک (؛ مملکت یعنی کشورداری یا مُلک یعنی دولت) و آداب ملوک» (خواجه نصیر الدین محمد طوسی، اخلاق ناصری، تصحیح

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی، چ ۳، ۱۳۶۴، ص ۳۰۰) تصریح می نمایند: «چون از شرح اصناف اجتماعات و ریاستی که به ازای هر جمعیتی باشد فارغ شدیم (یعنی بعد از حکمت سیاسی و حکمت حکومت بمثابت مبادی و مبانی الگوی سیاسی) اولی آنکه به شرح کیفیت معاشرت جزوی که میان خلق باشد (یعنی الگوی سیاسی به مثابت شیویت اجرایی حکومت حکمت) مشغول شویم و ابتدا به شرح سیرت (الگوهای متعالی و متدانی) ملوک کنیم» (همان).

در این زمینه معتقد و مدعیست:

«سیاست مُلک (و مَلِک) که ریاست ریاسات (یعنی راهبردی و فرابردی) باشد بر دو گونه (دو الگو) بوده و هر یکی را غرضی باشد و لازمی» (همان). در تعبیر ایشان؛ «اما اقسام سیاست:

یکی سیاست فاضله باشد که آن را

امامت خوانند و

غرض از آن تکمیل خلق بود و

لازمش نیل سعادت؛ و

دوم سیاست ناقصه بود که آن را

تغلب خوانند و

غرض از آن استعباد (یا استبعاد؛ بندگی و بردگی یا سلطه گری و سلطه پذیری) خلق

بود و

لازمش نیل شقاوت و مذمت» (همان، صص ۱-۳۰۰).

و «سائس اول:

الف. تمسک به عدالت کند و

ب. رعیت را بجای اصداقا (دوستی و صداقت؛ شفافیت) دارد و

ج. مدینه را از خیرات عامه مملو کند و

د. خویشتن را مالک شهوت دارد،

و سائس دوم:

الف. تمسک به جور کند و

ب. رعیت را بجای خَوَل (کنیز) و عبید (برده) دارد و

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

ج. مدینه پرشور عام کند و

د. خویشتن را بنده شهوت دارد» (همان، ص ۳۰۱).

الف. «و خیرات عامه:

۱. امن (از امنیت، ایمان تا امان) بُود و

۲. سکون (ثبات و آرامش) و

۳. مودت با یکدیگر (همگرایی، دوستی و محبت) و

۴. عدل (اعتدال، تعادل و عدالت اجتماعی؛ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) و

۵. عفاف (میانه روی در توسعه و تامین آسایش و رفاه) و

۶. لطف و

۷. وفا و

۸. امثال آن» (همان)،

این ها اعم شاخصه های الگوی متعالی سیاست یا سیاست متعالی اند. حاصل آن

توسعه متعالی اقتصادی، توأمان با تعادل سیاسی و اجتماعی و در جهت تعالی فرهنگی؛

معنوی و اخلاقی است.

ب. «و شرور عامه:

۱. خوف بود و

۲. اضطراب و

۳. تنازع و

۴. جور و

۵. حرص و

۶. عنف و

۷. غدر و

۸. خیانت و

۹. مسخرگی و

۱۰. غیبت و

۱۱. مانند آن» (همان).

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

این‌ها اعم شاخصه‌های الگوی نامتعالی سیاست یا سیاست متدان اند. و حاصل آن توسعه طبیعی و ظاهری تک‌ساحتی و تنازعی فرهنگی در جهت توسعه و تنازع سیاسی و در جهت توسعه تنازعی اقتصادی و ابزاری و تولید ثروت و لذت است. که به تعبیر مولوی در مثنوی معنوی:

عقل جزوی (هوش یا شعور ابزاری) آفتش وهم است و ظن
زانکه در ظلمات (نادانی و بیش نارسا و ناسازوار) شد او را وطن

(مثنوی معنوی-مولوی)

و به تعبیر قرآنی: «و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون» (۲/بقره، آیه الکرسی؛ ۲۵۷). کما اینکه؛ «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور» (همان). این در حالی بوده که؛ «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها و الله سميع علیم» (همان؛ ۲۵۶). که مبین دو الگوی رشد و خدایی و غی (گمراهی و بد راهی) و طاغوتی است. که یکی محکم بوده و دیگری بسان خانه عنکبوت «واهن البیوت» (عنکبوت/۲۹؛ ۴۱)؛ سخت سست بنیاد است.

و «مردمان در هر دو حال (و در هر دو الگو)؛

الف. نظر بر ملوک (الگوی سیاسی) داشته باشند و

ب. اقتداء به سیرت (اسوه و الگوی سیاسی) ایشان کنند» (همان)،

و «از اینجا گفته‌اند که:

«الناس علی دین ملوکهم»؛ «مردم بر دین (الگوی) ملوک خویشند»، و

«الناس بزمانهم اشبه منهم بأبائهم»؛ «مردم به (الگوی) زمانه خویش شبیه تر از پدران

خویشند»

«یکی از ملوک (ظاهراً معاویه) گوید: «نحن الزمان»؛ «من زمان یا (اسوه و الگوی) زمانه

هستم» (همان).

فارابی نیز در گفتمان خویش از جمله در فصل پنجم، علم مدنی کتاب و نظام علمی

احصاء علوم (ابونصر محمد فارابی، احصاء علوم، ترجمه خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و

فرهنگی، چ ۲، ۱۳۶۴، (صص ۱۱۲-۱۰۶) خویش این‌ها را بر اساس گفتمان و حتی زبان قرآنی؛

یکی. «حقیقی» (همان، ص ۱۰۶)، یقینی و واقعی خوانده و «خیر و نیکوکاری و فضایل» (همان، ص ۱۰۷) یا فضیلت می‌خوانند.

دیگری را «غیر فاضله» (همان، ص ۱۱۰) و یا جاهلی و «جاهلیت» (همان، ص ۱۱۱) تعبیر می‌نماید. اعم از؛ «پنداری و ظنی» (همان، ص ۱۰۶) و سیاست ضاله یا ضلالت سیاسی بوده و یا توهمی و کاذب یعنی دروغین و سیاست فاسقه می‌باشد. که به ترتیب سیاست را کسب «ثروت و عزت»؛ اعتبار اعم از شهرت یا پرستیژ و مقام و ماکیاویلیسم) و خوشگذرانی (هدونیسم)» (همان، ص ۱۰۷) دانسته و یا سلطه تنازعی یعنی داروینیسم می‌داند. در ادامه اهم مسایل، مباحث و وجوه الگوی سیاسی را طرح نموده و اعم «شالوده‌ها و شاخصه‌ها، گستره‌های و بخش‌ها این الگوهای دوگانه متقابل و مراتب آنها» را مورد واکاوی قرار می‌دهند. بخش‌ها، مراحل، مراتب، وجوه، جوانب، آنگاه فارابی کتاب آراء یا اندیشه‌های اهل مدینه فاضله خویش را در حقیقت به مبادی یعنی به هندسه این دو الگوی سیاسی فاضلی و جاهلی (ر.ک.: ابونصر محمد فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: طهوری، چ ۲، ۱۴۰۱) و کتاب سیاست مدینه خود را به مهندسی آنها اختصاص می‌دهند (ر.ک.: ابونصر محمد فارابی، سیاست مدینه، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۸ و چ ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱). کما اینکه در کتاب‌های تنبیه علی سبیل سعادت (ابونصر محمد فارابی، التنبیه علی السبیل السعاده، در مجموعه اربع رسائل فلسفیه، حقه جعفر آل یاسین، تهران: حکمت، چ ۲، ۱۳۷۱) و نیز تحصیل سعادت خویش را به الگو سازی و مدل سازی (ر.ک.: ابونصر محمد فارابی، تحصیل سعادت، ر.ک.: مجموعه رسایل) و کتاب فصول منتزعه خود، به آسیب شناسی و آسیب زدایی این دو الگو می‌پردازند (ر.ک.: ابونصر محمد فارابی، فصول منتزعه، حقه فوزی متری نجار، تهران: الزهراء، چ ۲، ۱۴۰۵ ه.ق). کما این که پیشتر از اینها و بمثابته پایه؛ کتاب ملت فارابی نیز مکتب مدنی یعنی الگوی زیرساختی و حتی زیرساخت الگوی سیاسی فاضله را جایگزین الگوی سیاست غیر فاضله طرح و تبیین نموده و به منظور تحقق عینی ترسیم عملیاتی؛ راهبردی و کاربردی می‌سازند (ر.ک.: ابونصر

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

محمد فارابی، کتاب المله، در مجموعه رسایل فلسفیه، حقیقه‌ها عبدالرحمن بدوی، لبنان، بیروت: دار الاندلس، بی تا، ترجمه به قلم محسن مهاجرنیا، در مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرا العلوم (ع) قم).

ملاصدرا نیز که در مبحث مدنی شواهد ربوبیه؛ حکمت متعالی الگوی سیاست متعالی را طرح و تبیین نموده در کتاب و بلکه نظریه مبداء و معاد خودیش ضمن فصلی مستقل تحت عنوان؛ «سیاسات و ریاسات مدنیه، و آنچه به آن ملحق می گردد از اسرار شریعت به وجهی تمثیلی» (صدرا المتألهین محمد شیرازی، مبداء و معاد، ترجمه احمد بن محمد حسنی اردکان، بکوشش عبدالله نورایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، صص ۲-۵۶۰) همین تقسیم بندی و عنوان بندی را تکمیل کرده و تعادل و تعالی می بخشند.

*برآمد

(شیطان) علم بودش چون نبودش عشق دین (معنویت و تعالی)

او ندید از آدم الا نقش طین (گل)

(مثنوی معنوی-مولوی)

که مبین تفسیر گلی و متدانی بشری غریزی (اومانستی) بجای تفسیر دلی و متعالی انسانی خلافت الهی است.

بدین ترتیب:

یکی. هدف (و غایت): تبیین علمی نظری و ترسیم علمی عملی؛ راهبردی و کاربردی الگوی مدنی، سیاسی و سیاست متعالی اسلامی ایرانی پیشرفت به منظور تحقق علمی عینی؛ اجرایی و جاری سازی تا جریان سازی آن بوده، بنحوی که اشارت گردید. بویژه؛ اول. الف. الگو شناسی و نقادی الگوی سیاست متدانی مدرنیسم یعنی سیاست الگوی تجدد، است.

ب. الگوپردازی و تجدید یا روزآمدسازی الگوی سیاست در تفکر و تمدن پیشین ایرانی اسلامی بوده که از فارابی تا امام خمینی اشارت گردید.

ج. الگوسازی سیاست متعالی نوین و با نظریه سازی جدید قابل تبیین علمی نظری و قابل

ترسیم علمی عملی؛ راهبردی و کاربردی است. بویژه با پشتوانه مبانی متعالی قرآنی و

روایی اسلام و تفاسیر و تدبیرات علمی سیاسی می باشد. که طرح و تبیین شده و ترسیم گردید.

دوم. با؛ الف. راهبرد مهندسی و مهندسی راهبردی الگوی مدنی و سیاسی و سیاست متعالی؛ نهاد سازی و نظام سازی، قابل تحقق عینی؛ اجرایی و جاری سازی بوده و قابل تأمین و جریان سازی (الهام بخشی و اثربخشی) می باشد. و با؛ ب. راهبرد مدیریت و مدیریت راهبردی الگو؛ سامان دهی و پیشبرد قابل توسعه بوده و قابل تعالی است. و با؛

ج. راهبرد آسیب شناسی و آسیب زدایی و به تعبیری آسیب شناسی و آسیب زدایی راهبردی (پاتولوژی و ایمنولوژی سیاسی) قابل تحقق بوده و قابل تضمین می باشد. دیگری. هدف از آن (غرض آن): الف. جایگزین و جایگزینی الگوی سیاست متدانی و یا الگوی نامتعالی سیاست؛ تک ساحتی (فرویدیسیم) و تنازعی (داروینیسیم) مدرنیستی و سرانجام امپریالیستی است. اعم از؛

لیبرالیسم و سوسیالیسم تا نیهیلیسم معرفتی، روشی و سیاسی پست مدرنیستی بویژه پسامدرنیسم پسی میستی یا بدبینانه جاری جهانی می باشد.

ب. ۱. الگوی تحول علمی عمومی و سیاسی و تحول الگوی علمی عمومی و سیاسی به منظور تحول

علمی و علوم انسانی و اجتماعی و بویژه سیاسی متدانی به علم سیاست متعالی است. بویژه تبیین نظری، ترسیم علمی راهبردی و کاربردی و تحقق عینی اجرایی و جاری سازی و جریان سازی نگاه، نظریه و نظام علمی؛ علم و علوم متعالی توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و

تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی است.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

۲. الگوی متعالی توسعه و الگوی توسعه متعالی به منظور توسعه متعالی اقتصادی،
سیاسی و

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بجای الگوی متدانی توسعه و الگوی توسعه متدانی
یعنی
توسعه تک ساحتی و تنازعی غرب و غربی غالب جهانی است.

۳. الگوی متعالی تمدن و الگوی تمدن متعالی به منظور تجدید و تاسیس تمدن
نوین اسلامی،

جایگزین تمدن مادی الگوی متدانی می باشد (*ضمیمه).

* کتابشناسی

قرآن

آشوری، داریوش، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: سپهروردی، ۱۳۶۶.
ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ۲ج، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و
فرهنگی، چ ۴،
۱۳۶۲.

اخوان الضفا و خلان الوفاء، الرسایل، ۵۱ رساله، ۴مجلد، قم: مرکز نشر-مکتب الاعلام الاسلامی،
۱۴۰۵هـ.ق.

اشترواس، لئو، چپستی فلسفه سیاسی؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
پازارگاد، بهاء الدین، تاریخ فلسفه سیاسی، ۳ج، تهران: زوار، چ ۴، ۱۳۵۹.
پازارگاد، بهاء الدین، مکتب های سیاسی، تهران: اقبال، چ ۳، ۱۳۴۴.

جعفری، محمد، حیات معقول، ذکر: دفتر هفتم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲.
خمینی، امام روح الله، صحیفه نور، ۲۳ج، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.
خواجه نصیرالدین طوسی، محمد، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران:
خوارزمی،
چ ۳، ۱۳۶۴.

صدرا المتألّهین شیرازی، محمد، مبداء و معاد، ترجمه احمد بن محمد حسنی اردکان، بکوشش
عبدالله نورایی،

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.

فارابی، ابونصر محمد، احصاء علوم، ترجمه خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۶۴.
فارابی، ابونصر محمد، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: طهوری، چ ۲، ۱۴۰۱.

فارابی، ابونصر محمد، تحصیل سعادت، ر.ک.: مجموعه رسایل.

فارابی، ابونصر محمد، التنبيه على السبيل السعاده، در مجموعه اربع رسائل فلسفیه، حقه جعفر آل یاسین،

تهران: حکمت، چ ۲، ۱۳۷۱.

فارابی، ابونصر محمد، سیاست مدنی، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۸ و چ ۲،

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.

فارابی، ابونصر محمد، فصول منتزعه، حقه فوزی متری نجار، تهران: الزهراء، چ ۲، ۱۴۰۵ ه.ق.

فارابی، ابونصر محمد، کتاب المله، در مجموعه رسایل فلسفیه، حقه عبدالرحمن بدوی، لبنان، بیروت: دار

الاندلس، بی تا، ترجمه به قلم محسن مهاجرنیا، در مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرا العلوم (ع) قم.

فاستر، مایکل ب. و جونز، وت، خداوندان اندیشه سیاسی، ۳ ج، چندین قسمت، ترجمه جواد شیخ الاسلامی

و علی رامین، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۸.

لکزایی، شریف، سیاست متعالی از منظر حکمت متعالی، چندین ج، ج ۱، قم: پژوهشگاه علوم و اندیشه

اسلامی، ۱۳۸۷.

ماکیاوی، نیکولو، شهریار، ترجمه محمود محمود، تهران: اقبال، ۱۳۵۷.

ماکیاوی، نیکولو، گفتارها، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۷.

مورگنتا، هانس، سیاست در میان ملل، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

مولوی، محمد، مثنوی معنوی، نرم افزار نور

هابس، توماس، لویتان، ترجمه حسین بشریه، تهران: نی، ۱۳۹۱

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

هانتیگتون، ساموئیل، برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

*ضمیمه

نمودارهای زیرساختی و ساختاری راهبردی الگوی سیاست متدانی و متعالی

۱. گزاره (فرمول)، راهبرد و نمودار الگوی سیاست و توسعه متعالی:

اول. الف. «سیاست توسعه اقتصادی» + ب. «سیاست تعادل اجتماعی» ← ج. «سیاست

تعالی فرهنگی؛ معنوی و ← اخلاقی متعالی».

دوم. «سعادت» (خوشبختی): فراهم آمده و فراگیر؛

الف. «آسایش مادی» (سلامت؛ افزایش سن امید بزندگی + رفاه و حتی تفریحات سالم و

سازنده؛ ارتقای کیفیت زندگی کمی، کیفی، جوهری و جهتی متعالی) و +/ ← ب. آرامش

روحانی (ایمان و کرامت و فضیلت) «است. تا مرز خدایگونگی؛ کمال انسانی و انسان

کامل و جامعه کامل و جهان کامل نهاییین مهدوی می باشد.

خاستگاه، جایگاه ن نقش راهبردی و فرابردی سیاست در این الگوی سه بخشی و دو

ساحتی توحیدی؛ ترسیم عملی (راهبردی و کاربردی) و تحقق عینی (اجرایی و جاری سازی)

تعادل اجتماعی و سیاسی در جامعه و کشور و میان توسعه اقتصادی در جهت تعالی

فرهنگی؛ معنوی و اخلاقیست.

*نمودار الف) زیرساخت راهبردی قرآنی الگوی سیاست توسعه متعالی و

متعالی (هدایت صراط مستقیم) جمهوری اسلامی ایران: بر اساس آموزه راهبردی سور

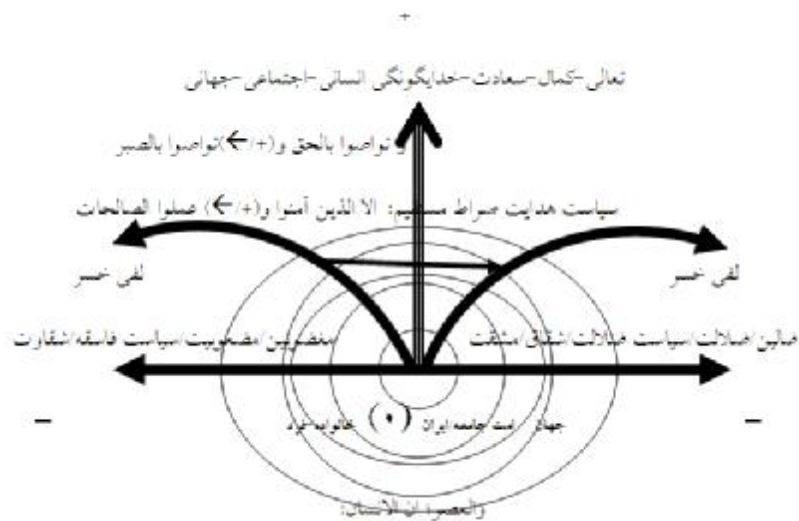
حمد و عصر (در تفسیر برجسته ترین کارگزاران علمی جهانی، اسلامی، شیعی و ایرانی؛

خواجه نصیر و امام خمینی).

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

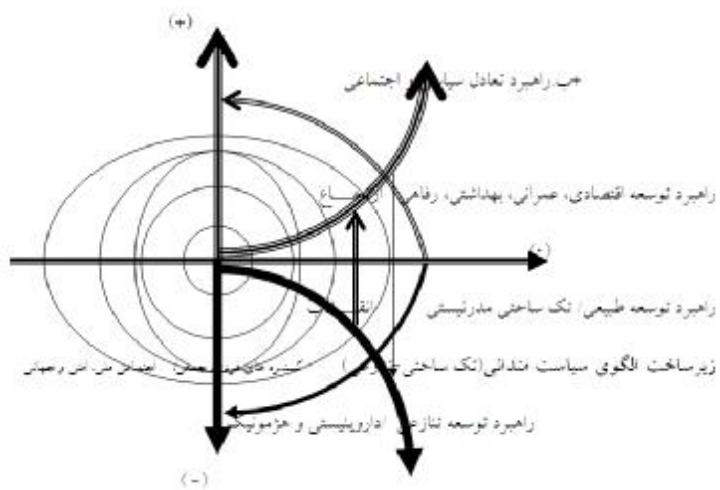
اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳



این نمودار زیرساخت الگو و الگوی زیرساختی متعالی و نامتعالی؛ تک ساحتی-تنازعی و جهات دو یا سه گانه متعادل و نامتعادل آن‌ها را ترسیم می‌نماید.

*نمودار ب) ساختار راهبردی الگوی سیاست توسعه متعالی جمهوری اسلامی ایران
بخش‌های سه‌گانه سیاست الگوی متعالی و الگوی سیاست متعالی:

← ج) راهبرد تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی



به تعبیری این «الگوی زیرساختی سیاست توسعه متعالی» است. که در مقابل «سیاست توسعه متنازل تک ساحتی و تنازعی» می باشد.

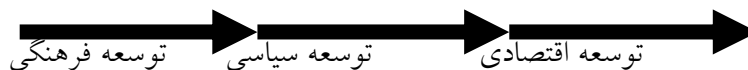
۲. الف. بدین سبب و بدین مناسبت بدان الگوی متعالی توسعه و سیاست آن یعنی سیاست الگوی توسعه متعالی و حتی الگوی سیاست توسعه متعالی اطلاق می سازیم. چرا که الگوی توسعه متعالی است.

ب. در قبال و در مقابل و فرای الگوی متدانی توسعه و الگوی توسعه متدانی می باشد. و تنها و برترین گزینه

جایگزین الگوی توسعه متدانی و سیاست آن یعنی سیاست الگوی توسعه تکساحتی-تنازعی یا الگوی

سیاست توسعه تکساحتی-تنازعی است.

گزاره (فرمول) راهبرد و نمودار الگوی سیاست و توسعه متدانی (نامتعادل و نامتعالی تکساحتی-تنازعی متنازل): «توسعه فرهنگی»، در جهت «توسعه سیاسی» در جهت «توسعه اقتصادی» است. به تعبیری: «سیاست توسعه فرهنگی» ← «سیاست توسعه اجتماعی» ← «سیاست توسعه اقتصادی؛ تولید ثروت و رفاه و لذت» می باشد. که در آن: «سعادت» (بجای خوشبختی عبارت از خوشحالی و خوشوقتی) بوده و حداکثر؛ «آسایش مادی» (سلامت؛ افزایش سن امید بزندگی+رفاه تا ترفه و تفریحات؛ ارتقای کیفیت زندگی کمی) است.



الگوی متدانی با شالوده ها و شاخصه های طبیعی (نچرالیزم یا ناتورالیسم؛ ارگانیکی ماکیاولیسم و مکانیکی نیوتنی-هابسی)، مادی (ماتریالیسم)، بشری غریزی (اومانیزم) بجای انسانی متعالی، دنیوی پرستی (سکولاریسم) و دوگانه پنداری (دو آلیسم: جدایی مادیت و معنویت، سیاست و دیانت، دنیا و آخرت، ایمان و عقل، ...) بجای نگاه توحیدی و یگانه انگاری (مونیزم) و حتی جایگزینی هوش ابزاری (راسیونالیسم یا شعور طبیعی) بجای خرد متعالی (عقل اصیل) است. الگوی سیاست متدانی در گفتمان قرآنی متفکرین بنام اسلام؛ یکی و در یک سویه ظنی یعنی ظاهری و پنداری بوده و یا در سویه متعارض توهمی یعنی

کاذب و دروغین و به تعبیر قرآنی اساطیری است. که بدان یکی تفلسف سیاسی و دیگری سوفیسم سیاسی یا سفسطه اطلاق می نمایند. که امروزه در قالب الگوی متدانی با دو سویه یکی تک ساحتی سود و سودا طلبی و لذت جویی فرویدیسم و دیگری سویه تنازعی داروینیستی و امپریالیستی مدرنیسم، تجدید حیات (رنسانس) کرده و بازتولید شده است. و هر دو شاخه متعارض سوسیالیستی یا اجتماعی و کمونیستی یا اشتراکی و مارکسیستی توتالیتریستی و دولت حداکثری و سیاست دخالت الگوی دولت سالاری و نیز در سویه متعارض فردگرایی (اندیودوآلیسم تا پرسونالیسم) و شخص گرایی، لیبرالیستی و کاپیتالیستی دولت حداقلی و سیاست عدم دخالت الگوی سرمایه سالاری، از همین مدرنیسم می باشند. که از سویی به امپریالیسم اعم از؛ سوسیال امپریالیسم و لیبرال امپریالیسم کشیده است. و از دیگر سوی به نسبت مطلقه نیهیلیسم همچی پنداری معرفتی، روشی و علمی سیاسی کشانیده اند. و امروزه بحران فزاینده تا حد بن بست روزافزون نارسایی و ناسازواری ذاتی و درونزادی آن بیشا پیش آشکار شده و آشکارتر می شود. راه برونزرفتن از آن نیز منحصر؛ الگوی توحیدی دو ساحتی مادی و معنوی متعادل و متعالی است. که الگوی حقیقی، یقینی و واقعی می باشد. الگوی رسا و سازوار درونی و برونی که می تواند موجد کارامدی؛ بهره وری و اثربخشی رسا و سازوار بوده و منجر به توسعه متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی خواهد شد.

۳. الف. اسوه حسن و نمونه برتر و مُثُل اعلی و مثال برین توحیدی دو ساحتی مادی و معنوی متعادل و متعالی است. الگو و توسعه و سیاستی رسا و سازوار درونی و برونی و در نتیجه کارآمد؛ بهره ور و اثربخش است.

ب. بدین ترتیب الگوی سیاست متعالی و الگوی توسعه متعالی سیاست: فراگیرترین راهبرد بوده و راهبرد فراگیر کشور می باشد. کما اینکه نظام سیاسی: فراگیرترین ساختار و نظام بوده و نظام مدنی و ساختار فراگیر ملی است. به اصطلاح؛ سیاست و نظام سیاسی صورت و علت صورت کشورند. و اقتصاد؛ علت مادی است. فرهنگ نیز علت فاعلی و علت غایی است. به تعبیری دیگر؛ مردم و ملت؛ علت مادیند. دولت و سیاست و نظام سیاسی؛ علت صوری ساختاری و راهبردیند. و فرهنگ و انگیزه های فرهنگی و تعالی فرهنگی و به تبع آن سعادت و کمال نیز غایت و علت غایی اند. در این الگوی فراگیر مدنی و سیاسی و نیز الگوی سیاست توسعه متعالی؛ نقش و مدل و الگوی معماری و راهبردی عمومی دولت

در نظام سیاسی و در کشور نقطه آغاز و محوریت عزیمت، حرکت و کارآمدی است. چنان که بنا به تعبیر فارابی؛ مؤسس علم و حکمت مدنی و فلسفه سیاسی در ایران و جهان اسلام؛ «صناعه المُلک (المَلِک) و المدینه حالها من سائر الصناعات التي فی المدن، حال رئیس البنائین من البنائین ... كما الصناعه الرئیسیه» (فصول منتزعه/مدنی، فارابی، ص ۲۵). که همان الگوی معماری ساختاری و راهبردی نظام سیاسی و سیاست دولت است. و به تعبیر خواجه نصیر الدین طوسی بزرگترین کارگزار علمی و عملی حکمت و حکومت جهانی، اسلامی و شیعی و ایرانی تا پیشا امام خمینی(ره)؛ «این صناعت رئیس همه صناعات بُود» (اخلاق ناصری، ص ۲۵۴) و «سیاست مَلِک (مُلک)؛ که ریاست ریاسات باشد» (همان، ص ۳۰۰). در عین حال سیاست و نظام سیاسی؛ راهبرد و ساختار فرابردی اند. که جامعه و کشور را از وضعیت موجود در حال بسوی وضعیت مورد نظر، مفید، ممکن و بلکه مطلوب در آینده سوق می دهند. به تعبیر اخوان صفا؛ سیاست: «استصلاح الخلق بارشادهم من العاجل (موجود در حال) الی الآجل (مطلوب در آینده)» (اخوان الضفا و خلان الوفاء، الرسایل، ۵۱ رساله، ۴ مجلد، قم: مرکز نشر-مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۵هـ، ج ۱، از جمله ص ۲۱۱). چرا که «ان المراد من السیاسه هو صلاح الموجودات و بقاؤها علی افضل الحالات و اتم الغایات» (همان، ص ۳۱۴)؛ «مراد از سیاست: اصلاح موجودات و دوامشان بر برترین حالات و تمامترین غایات است».